

دیدگاه دانش‌آموزان دبیرستانی پیرامون منابع تأثیرگذار بر هویت دینی‌شان (مطالعه موردی شهرستان کرج)

فاطمه عابدی^۱

مرتضی منادی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۱

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان شهرستان کرج بود. جامعه آماری، عبارت بودند از دبیرستان‌های دختران شهرستان کرج که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه منطقه بالای شهر، مرکز شهر و پایین شهر، سه مدرسه انتخاب شدند.

روش این پژوهش، ترکیبی از نوع کمی و کیفی و ابزار پژوهش، پرسش‌نامه و مصاحبه بود. ابتدا برای انتخاب نمونه پژوهش، پرسش‌نامه سنجش دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۹) در کلاس‌های پایه چهارم این دبیرستان‌ها که در مجموع، ۲۳۰ نفر و میانگین سنی آنها ۱۷ سال و رشته تحصیلی آنها نظری (ریاضی، تجربی و انسانی) بود، اجرا گردید. بعد از اجرای پرسشنامه، ۶۵ نفر که بالاترین نمره را در میزان دینداری کسب کردند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و هریک به طور جداگانه در یک جلسه ۱۵ دقیقه‌ای به پرسش‌های محقق ساخته پژوهشگر- پرسش‌نامه‌ای نیمه ساختاریافته که با توجه به عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی، تنظیم گردید و بعد از اعمال نظر اساتید مجرب، به شکل نهایی مورد استفاده قرار گرفت- پیرامون منابع تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی‌شان پاسخ دادند. برای سنجش داده‌های مصاحبه از روش تحلیل محتوای توصیفی استفاده شد.

یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های به عمل آمده از نمونه پژوهش، نشان دهنده تأثیر ۱- مدرسه با مقوله‌های معلم و ویژگی‌های او، فعالیت‌های پرورشی و برنامه درسی؛ ۲- خانواده با مقوله‌های سطح فرهنگی اقتصادی، میزان دینداری، نوع شغل و...؛ ۳- عوامل اجتماعی با مقوله‌های رسانه‌ها، برنامه‌های فرهنگی مساجد، مسئولان کشوری و هیئت‌های مذهبی، در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان است.

E-mail: abedifateme55@yahoo.com

^۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)

^۲. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س)

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان به ترتیب: میزان دینداری والدین، عضویت در هیئت‌های مذهبی و تشکلهای دانش‌آموزی بوده است. همچنین، یافته‌ها نشان داد که نقش تعدادی از مسئولان رده بالای کشوری و معلمان ناکارآمد، در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان منفی بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که آموزش خانواده و اصول تربیت دینی فرزندان، در نظام آموزش و پرورش جدی گرفته شود و تشکلهای مذهبی دانش‌آموزان با طرح و برنامه مناسب ساماندهی گردند.

واژگان کلیدی: منابع هویتی، هویت دینی، روش کیفی و دانش‌آموزان دبیرستانی

مقدمه

منبع و سرچشمه ارزش‌های هر جامعه‌ای، دین و اعتقادات مذهبی دربرگیرنده آن جامعه است. (سبحانی، ۱۳۸۸) دین، مجموعه‌ای از باورها و باید و نبایدهایی است که از آن باورها نشات می‌گیرد. از آنجا که انسان دارای بعد عقلانی است، این باورها می‌تواند کارکرد عقلانی داشته باشد. در چنین شرایطی که باورها به شناخت‌های عمیق انسان گره می‌خورد و در سطح عملی نمود می‌یابد، مفهوم دینداری خودنمایی می‌کند. (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۱۶۴) در بیان مفهوم دینداری، حضرت علی (ع) می‌فرمایند: "ای مردم! بدانید که کمال دین، یاد گرفتن معارف و عمل به آن است."^۱ (کافی، جلد ۱: ۳۰) بدین ترتیب، مولای متقیان (ع) هم کمال علمی را مطرح می‌کنند و هم کمال عملی را. بنابراین، فرد دیندار نه تنها دارای دانش مربوط به دینداری است، بلکه نسبت به آن شناخت دارد. منظور از شناخت یا معرفت این است: «نخست فرد به دانش خود اعتقاد داشته باشد. دوم، این اعتقاد امری صادق باشد؛ یعنی، حقیقت داشته باشد، سوم، بتواند آن را توجیه کند». (سبحانی، ۱۳۸۸) داشتن باوری این‌چنین و پیروی از آن، نیاز انسان در جهان است و از نظر ساچمن و ماتیوز (۲۰۰۵) این نیاز در همه دوران‌ها و در همه جوامع مطرح بوده است؛ (به نقل از سبحانی، ۱۳۸۸) به طوری که یکی از کارکردهای اجتماعی کردن افراد در جوامع مختلف، پرورش بُعد دینی شخصیت افراد است. (سراجزاده، ۱۳۸۴: ۷۵)

بعد دینی شخصیت یا هویت دینی، بخشی از هویت اجتماعی محسوب می‌شود که معطوف به بُعدی از مفهوم هویت است که تأکید مضاعفی بر شناخت و برداشت فرد از خود با تکیه بر بُعد اجتماعی دارد. این بُعد از هویت همانند هویت فردی، معطوف به جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند و اصولاً این جامعه است که در همه ابعاد هویت، لایه‌های ذهنی فرد را شکل می‌بخشد. به همین دلیل در این سطح از هویت، به طور خاص، بُعد اجتماعی و تمایزات گروهی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۹) هویت اجتماعی نیز اشکالی دارد که یکی از مهم‌ترین اشکال آن، هویت دینی است.

هویت دینی با تکیه بر ادیان الهی، به نیازهای مختلف فرد، نظیر حس ثبات در عرصه‌های اجتماعی، جغرافیایی، هستی‌شناختی، زمانی و متافیزیکی پاسخ می‌دهد. (به نقل از اسکندری، ۱۳۹۱) آیبید^۲ (۲۰۰۵) معتقد است: «ادیان، احساس پیش‌بینی‌پذیری نسبت به هستی و حس تداومی را که فرد نیاز دارد تا به تعادل

^۱ «أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ»

^۲ Aibide

و ثبات روانی برسد، در اختیار فرد قرار می‌دهند. علاوه بر این، اجتماعات مذهبی و نظام‌های معانی، منابعی برای حس علاقه (تعلق به دیگری) و تأیید (به عنوان پایه‌ای برای عزت نفس) هستند که فرد آن را جستجو می‌کند. آنها هم‌چنین فعلیت‌بخشی و حتی تعالی‌بخشی خود را تشویق می‌کنند. در حالی که عضویت در اغلب گروه‌ها به رشد خود اجتماعی فرد کمک می‌کند، گروه‌های دینی به‌طور کلی، به ارضای هر دو نیاز هویتی فرد یعنی تحقق خود فردی و اجتماعی یاری می‌رسانند». (به نقل از دوران، ۱۳۸۸: ۱۳۴) بنابراین، هویت دینی، بخشی از هویت اجتماعی است که در رابطه با افراد دیگر و در فرایندی به نام جامعه‌پذیری، شکل می‌گیرد. فرآیند جامعه‌پذیری، دارای مراحل گوناگونی است که از بدو تولد تا پایان عمر را در بر می‌گیرد و عوامل متعددی در شکل‌گیری آن ایفای نقش می‌کنند.

در میان عوامل مختلف جامعه‌پذیری، نقش خانواده از برجستگی خاصی برخوردار است. علت این امر را می‌توان در این واقعیت جست که شکل‌گیری اولیه شخصیت افراد تا حدود زیادی در درون خانواده صورت می‌گیرد و فرزندان بیشتر ویژگی‌های رفتاری والدین خود را کسب می‌کنند؛ دوم، این نقش خانواده، بیشتر هنگامی مشاهده می‌شود که فرد در سال‌های اولیه زندگی خود قرار دارد و شخصیت وی همچون لوح سفیدی برای اولین بار در حال شکل‌گیری است. (موگهی، ۱۳۸۰) در پژوهشی هم که توسط خالقی فیروزآبادی و اخلاقی (۱۳۹۱) و ارژنگ و میرفردی (۱۳۹۳) انجام شد، نتایج نشان داد که رابطه قوی و معناداری میان هویت دینی دانش‌آموزان با فرهنگ مذهبی خانواده‌هایشان برقرار است. اگرچه در این پژوهش‌ها که به شیوه همبستگی صورت گرفته، به یقین نمی‌توان نشان داد که آیا ثمره تربیتی خانواده‌های مذهبی، لزوماً فرزندان مذهبی است و آیا دانش‌آموزان، مذهبی بودن خود را مدیون خانواده هستند، ولی وجود همین رابطه در پژوهش، می‌تواند گویای تأثیر مثبت مذهبی بودن والدین بر روی فرزندان‌شان باشد. به اعتقاد استوتنزل (۱۹۹۸) اولاً، فرآیند جامعه‌پذیری در محیط خانواده نه با فشاری فلج‌کننده همراه است و نه معلول تقلیدی بی‌هدف است که کورکورانه انجام گیرد، بلکه این فرآیند عبارت از «سازگاری کاملاً هدف‌داری» است که به عوض آنکه کودک برخلاف میل خود آن را تحمل کند، آن را می‌طلبد و در واقع نوعی سازگاری حساب شده و ارادی است؛ ثانیاً، کودک با کسب تجارب مشخص در دوره‌های بعدی زندگی و آرمان‌هایی که رفته‌رفته بر اثر این تجارب برای خود ترتیب می‌دهد، الگوی اولیه شخصیت خود را دگرگون می‌سازد و شخصیت نهایی او در واقع نتیجه انطباق‌هایی است که در سراسر عمر به نحو پویایی در رویارویی با اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی و قبول مقام‌های مختلف و ایفای نقش‌های مربوط به آن،

از او سر می زند». (به نقل از گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۹) امروزه نقش خانواده به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری، دچار تغییر شده است و برخلاف گذشته، فرزندان به ویژه جوانان برای مدت زمان بیشتری در معرض تأثیر سایر عوامل از جمله نهاد رسمی آموزش و پرورش قرار دارند. هدف اصلی نهاد آموزش و پرورش، همان جامعه‌پذیر کردن یا آماده ساختن کودک برای حضور و درک به موقع و هماهنگ ساخت‌ها، کارکردها و فرهنگ جامعه جهت نشان دادن عملکرد معقول اعم از واکنش‌ها، رفتار یا کنش، در جهت رفع نیازها و رسیدن به اهداف جمعی است. (پیروزی، ۱۳۸۵: ۱) اسکندری (۱۳۹۱) در پژوهشی، رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان را بررسی کرد و نشان داد که در حالت کلی، بین میزان فعالیت پرورشی مدرسه و سه بعد هویتی فردی، اجتماعی و دینی و نیز بین فعالیت‌های پرورشی و هویت اجتماعی، رابطه مثبت و معنادار مشاهده می‌شود، اما درباره دو مورد دیگر، رابطه معناداری مشاهده نشد. نکته قابل تأمل در این پژوهش، تأثیر ویژه گروه بر افراد است. آنچه را که در گروه‌های دانش‌آموزی به عینه می‌توان دید علاقه‌مندی آنها به مشارکت با یکدیگر و حس همکاری در برنامه‌های تفریحی و فوق برنامه مدارس است که خود منبعی عظیم از تبادلات افکار و اطلاعات در بین افراد گروه است، چرا که گروه‌های همسالان و دوستان، حس ارزشمند بودن را در فرد ایجاد می‌کنند. دوستان به تبادل عقاید و اطلاعات می‌پردازند و به شکل‌دهی دیدگاه‌های یکدیگر درباره جهان خارج و پدیده‌های آن کمک می‌کنند. در مواردی که جامعه‌ای شاهد شکاف و تضاد بین نسل‌ها باشد یا نسل‌های مختلف تجربیات متفاوتی داشته باشند، گروه همسالان و دوستان اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد. اهمیت گروه همسالان و دوستان در جامعه فعلی ما به علت گسترش بی‌رویه شهرنشینی و تبعات آن از جمله: کاهش نفوذ و اقتدار والدین و نهادهای سنتی و همچنین طولانی شدن دوره جوانی در اثر گسترش آموزش، از یک سو و بیکاری و بالا رفتن سن ازدواج، از سوی دیگر افزایش یافته است. گروه همسالان و دوستان ممکن است بر مبنای محله، مدرسه، دانشگاه، سن یا یک فعالیت مشترک و یا آمیزه‌ای از این عوامل تشکیل گردد. (خسروی، کیامنش، بنی‌جمالی و نیک‌منش، ۱۳۸۶) در پژوهشی که توسط سروش (۱۳۸۰) و ارژنگ و میرفردی (۱۳۹۳) انجام شد، میزان مذهبی بودن والدین و دوستان، میزان دنیاگرایی و جنسیت، اثرات مستقیمی بر هویت دینی داشتند و میزان تأثیرگذاری دوستان بر هویت دینی افراد، به طور ویژه‌ای از عوامل دیگر بیشتر بوده است. در پژوهش‌های یاد شده - که نوعی پژوهش همبستگی بوده است - پژوهشگر در مورد اینکه این دوستان مربوط به مدرسه و یا گروه‌های اجتماعی و یا تشکلهای مختلف بوده‌اند، توضیحی نداده است و این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که در چه صورت و در چه زمان و مکانی تأثیر دوستان بر مذهبی بودن، از عوامل دیگر بیشتر است.

وسایل ارتباط جمعی، عامل دیگری است که در فرایند جامعه‌پذیری باید مورد توجه قرار گیرد. انسان امروز به لحاظ شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی، هرگز نمی‌تواند خود را از وسایل ارتباط جمعی و اخبار دنیایی که او را در بر گرفته است، بی‌نیاز بداند. جهان پهناور در اثر پیشرفت‌های شگرف وسایل ارتباطی، بسیار کوچک جلوه کرده است؛ به گونه‌ای که مک‌لوهان لقب «دهکده جهانی» بدان داده و برای توصیف نقش تعیین‌کننده ارتباطات در زندگی اجتماعی انسان، این برهه را «عصر ارتباطات» نام نهاده است. نظام کنترل شده رسانه‌های جمعی، نقش مؤثری در جامعه‌پذیری ایفا می‌کند. (توسلی، ۱۳۸۶) قدرت و اثرات رسانه‌های جمعی و در رأس آن‌ها تلویزیون، سال‌های بسیاری است که توجه جوامع را به خود جلب کرده است. در جریان جامعه‌پذیری افراد توسط تلویزیون، هنجارهای گروهی زیر به افراد آموخته می‌شود: آداب اجتماعی شامل غذا خوردن، نشستن، تعارف کردن؛ شعائر اجتماعی شامل مناسک دینی، آداب و تشریفات یک آیین خاص که دارای قدمت و اهمیت فراوان است؛ اخلاق اجتماعی شامل رسوم اجتماعی مهمی که جامعه نقض آن‌ها را سخت ناپسند می‌شمارد؛ مقررات اجتماعی شامل رسم‌هایی که جامعه با خواست و آگاهی به وجود می‌آورد، مثل مقررات راهنمایی و رانندگی. (سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۶) در نتیجه یادگیری این آموزش‌ها که جملگی بر اثر امکان یادگیری اجتماعی حاصل از استفاده از رسانه‌های جمعی است، شخص با جامعه پیام دهنده، هم‌نوا و هم‌رنگ شده، ارزش‌ها و هنجارهای مذکور را درونی می‌کند. این تأثیر عظیم رسانه بر افراد در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است. به عنوان نمونه، در پژوهش قصابی، چمنی، عزتی و صنعتی شرقی (۱۳۹۱)، ریاحی، علیزاده، اشتیاقی و کاظمیان (۱۳۹۲)، قاسمی، علیپور و کیانپور (۱۳۹۱)، پیری (۱۳۸۶)، کولدایپ^۱ (۲۰۰۹) و روباکا^۲ (۲۰۱۲) که بر روی دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۸ سال انجام شد، نتایج حاکی از آن است که استفاده از تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت اثر منفی یا معکوس بر هویت دینی افراد می‌گذارد.

علاوه بر تأثیر عوامل یاد شده در شکل‌گیری هویت دینی جوانان، پژوهش‌های ایمان و سروش (۱۳۸۱)، گوویا و آلبوکوئرکو^۳ (۲۰۰۲) و کدی^۴ (۲۰۱۴) به ترتیب نشان می‌دهد که جنسیت و میزان دنیاگرایی والدین، ارزش‌های اجتماعی با هویت سنتی درون‌گروهی و هویت سرزمینی محلی و نظام دمکراتیک جامعه و نهادینه شدن فرهنگ ملی، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت دینی ملت‌ها دارند.

¹ Kuldip

² Robaka

³ Gouveia, Albuquerque

⁴ Keddie

بر اساس یافته‌های یاد شده و با توجه به تأثیرات دین در جامعه، از یک سو و در نظر گرفتن هدف کلان نظام جمهوری اسلامی که هویت بخشی دینی به جوانان است، از سوی دیگر، اهمیت دانستن یا شناخت منابعی که هویت دینی و ایمان دینی جوانان را شکل می‌دهد، از آن جهت مهم قلمداد می‌شود که «دین موجب بالندگی افراد و آرامش ذهنی آنها شده و تعهد افراد به اصول اخلاقی را تقویت می‌کند» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۲۵) - این مسئله اهمیت جامعه‌پذیری هویت دینی جوانان را صد چندان می‌کند. در جوامع در حال گذار، نسل جوان در جستجوی کسب جایگاه هویت برای خود برمی‌آید تا با ذهنیت و رویکردهای پیشین به چالش برخیزد. جامعه ایران نیز به عنوان یک جامعه در حال گذار، با چنین مسائلی دست به گریبان است. جوانان و چگونگی دینداری و عوامل مؤثر بر دینداری آنان از جمله این مسائل هستند. در این میان، دانش‌آموزان اعم از دختر و پسر به عنوان بخشی از جمعیت جوان این کشور، با مسئله کسب هویت دینی مواجه هستند. اگرچه پژوهش‌های داخلی و خارجی زیادی پیرامون شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی جوانان صورت گرفته، اما خلأ اساسی همه این پژوهش‌ها، این است که مشخص نشده که خود دانش‌آموز چه عواملی را در تشکیل هویت دینی خود مؤثرتر می‌داند. از آنجا که شناسایی عامل یا عوامل مهم می‌تواند برای خانواده‌ها و دست‌اندرکاران آموزش در کشور، راهگشا باشد تا زمینه بروز عوامل ذکر شده را بهتر فراهم نمایند، پژوهش حاضر در پی آن است تا با کنکاشی عمیق و دانش‌پژوهانه از میان بیانات دانش‌آموزان، عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی‌شان را شناسایی و معرفی نماید. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل و منابع شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان از منظر خودشان و پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهشی زیر است:

۱- از دیدگاه دانش‌آموزان، مدرسه و عوامل مرتبط با آن همچون: برنامه درسی، معلم و فعالیت‌های پرورشی، چه نقشی در تشکیل هویت دینی دانش‌آموزان دارند؟

۲- از دیدگاه دانش‌آموزان، خانواده و عوامل مرتبط با آن نظیر تحصیلات والدین، شغل، طبقه اجتماعی، محیط اجتماعی، دینداری والدین، پرستار یا مراقب کودک، بستگان و افراد نزدیک و دوستان خانوادگی، چه نقشی در شکل‌گیری هویت دینی جوانان دارند؟

۳- از دیدگاه دانش‌آموزان، عوامل اجتماعی همچون: رسانه‌ها (تلویزیون، ماهواره، اینترنت و تلفن همراه)، مسئولان رده بالای کشور، روحانیت و برنامه‌های فرهنگی مساجد، هیئت‌های مذهبی و مراسم‌های ملی- مذهبی، چه نقشی در شکل‌گیری هویت دینی جوانان دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش حاضر که ابتدا انتخاب نمونه پژوهشی از میان دانش‌آموزان و سپس بررسی عمیق نگرش افراد مورد نظر است، روش پژوهش ترکیبی از نوع کمی - کیفی، برگزیده شده است. طرح پژوهش ترکیبی، مجموعه اقداماتی برای جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات کمی و کیفی در یک مطالعه واحد به منظور شناخت دقیق‌تر مسئله تحقیق است. این روش، یک رویکرد پژوهشی است که از طریق سنجش هر دو دسته یافته‌های یک تحقیق کمی و فرایندهای یک تحقیق کیفی می‌تواند تصویری پیچیده از یک پدیده ارائه دهد. به بیان دیگر، از این طریق ما قادر هستیم با جمع‌آوری و تلفیق یا ادغام انواع متفاوت اطلاعات در مورد یک پدیده معین، پژوهش خود را غنا بخشیم. این بهبودبخشی، حاصل ترکیب نقاط قوت یک روش پژوهشی با جوانب محکم روش دیگر و خنثی‌سازی نقاط ضعف آنهاست. (کرسول و کلارک، ۲۰۰۷، ترجمه کیامنش و سرایی، ۱۳۹۰)

جامعه آماری پژوهش

جامعه این پژوهش، تمام دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع دبیرستان شهرستان کرج بودند که تعداد ۴ دبیرستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند.

روش اجرای پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، در پژوهش حاضر، نخست برای شناسایی افرادی که هویت دینی مناسبی داشتند، از پرسشنامه سنجش دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شد؛ به این صورت که از بین ۲۳۰ دانش‌آموز ۴ دبیرستان منتخب، تعداد ۶۵ نفر که نمره بالاتری را از نظر دینداری (نمره پایین‌تر از ۱۱۰) در این پرسش‌نامه کسب کردند و در طبقات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد نظر (بالا، متوسط، ضعیف) بودند، انتخاب گردیدند. (بخش کمی پژوهش) همه دانش‌آموزان شرکت‌کننده در

پژوهش، دارای میانگین سنی ۱۷ و در یکی از رشته‌های نظری (ریاضی، تجربی و انسانی) تحصیل می‌کردند. سپس از هر یک از این دانش‌آموزان در یک جلسه ۱۵ دقیقه‌ای مصاحبه به عمل آمد. از میان انواع مصاحبه، از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد و با این‌که پرسش‌ها از قبل طراحی شده و هدف آن کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه شونده بود، ولی هر پرسش با تعدادی پرسش دیگر، پیگیری شد و از پاسخ‌دهنده‌ها خواسته شد که توضیحات بیشتری درباره پاسخ‌های خود بدهند تا درک روشن‌تری از پدیده مورد بررسی به دست آید. (منادی، ۱۳۸۵، الف) از میان پرسش‌های پرسیده شده، پرسش‌های پیشنهادی برگزیده شد و پس از انجام چند مصاحبه آزمایشی، این پرسش‌ها اصلاح و نهایی شد؛ به طوری که می‌توان گفت پرسش‌های یکسانی از دانش‌آموزان پرسیده شد. برخی از پرسش‌های اصلی که از همه افراد پرسیده شد عبارت بودند از: انجام مناسک دینی را از چه سنی شروع کرده‌اید، اولین کسانی که شما را تشویق به انجام اعمال دینی کردند چه کسانی بودند، نظر شما درباره کتاب دین و زندگی چیست و پرسش‌هایی از این قبیل. پس از انجام مصاحبه‌ها، متن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شد و برای پردازش داده‌های حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل محتوای از نوع توصیفی استفاده گردید؛ یعنی ابتدا متن مصاحبه مطالعه شد و سپس یک تفسیر کلی درباره متن و ارتباط آن با همه پرسش‌ها صورت گرفت (تحلیل اولیه). در مرحله دوم، تحلیل دقیق‌تر هر پاسخ جداگانه آغاز شد (واحد تحلیل). بدین منظور واژه‌های کلیدی و مهم متن شناسایی گردید تا قالب متن شناخته شود و تفکر اصلی گوینده متن مشخص گردد. در مرحله سوم (واژه‌شناسی) زیر کلمات معنی‌دار خط کشیده و در کنار متن یادداشت شدند و در مرحله پایانی (جداسازی یا مقوله‌بندی)، پس از جمع‌آوری واژه‌ها، دسته‌بندی، شمارش و کدگذاری انجام شد تا پس از در کنار هم قرار دادن این واژه‌ها، تفکر و نوع نگاه دانش‌آموزان در آن‌ها شناسایی شود. (منادی، عابدی و طالب‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۰۱)

ابزار پژوهش

الف- پرسشنامه سنجش دینداری: برای تعیین نمونه پژوهش در بخش کمی پژوهش، از پرسشنامه سنجش دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شد. این پرسش‌نامه، یک پرسش‌نامه ۴۰ سوالی است که با در نظر گرفتن ابعاد اساسی شناختی، عاطفی و رفتاری و همچنین مبتنی بر ۴ رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و جهان هستی ساخته شده است. این پرسش‌نامه از نوع لیکرت ۶ درجه‌ای است که امتیازات حداقل صفر برای گزینه هرگز و حداکثر ۵ برای گزینه همیشه را برای هر پرسش دربر می‌گیرد. نمره کمتر

در این آزمون به معنی بالا بودن میزان دینداری و نمره بالا به معنی پایین بودن میزان دینداری است. بررسی روایی محتوایی، صوری و ملاکی مقیاس نشان داده است که این مقیاس دارای ویژگی روان‌سنجی مناسبی است. ضرایب اعتبار بازآزمایی خرده مقیاس شناخت و باور دینی ۰/۵۲، خرده مقیاس عواطف دینی ۰/۵۹، و وظایف دینی ۰/۶۴ به دست آمده است. ضرایب اعتبار درونی خرده مقیاس‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ و ۰/۹۱ به دست آمده است. (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۹)

ب- پرسشنامه محقق ساخته: برای اجرای مصاحبه، از پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر دو بخش داده‌های شخصی و پرسش‌های اصلی استفاده شد که ابتدا پرسش‌ها با نظارت استاد راهنمای پژوهشگر، طراحی و سپس در یک نمونه ۱۰ نفری اجرا و پس از سنجش روایی پاسخ‌های حاصل، تغییراتی در پرسش‌ها ایجاد شد و سپس در نمونه پژوهش به اجرا درآمد. برای تحلیل داده‌های حاصل از مراحل پژوهش، از نرم افزار SPSS20 استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

پس از گردآوری داده‌های حاصل از مصاحبه، یافته‌های زیر از متن مصاحبه‌ها استخراج گردید:

۱- مدرسه و مقوله‌های مرتبط به آن

مدرسه به عنوان یک نهاد آموزشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دارد. با توجه به اینکه مدرسه از عناصر (مقوله‌ها) مختلف ساخته می‌شود، هر یک از این عناصر به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف- فعالیت‌های پرورشی و زیرمقوله‌های مربوط به آن: در پاسخ به این پرسش که فعالیت‌های مربوط به امور پرورشی مدرسه، چقدر توانسته است باورهای دینی را در شما بوجود آورد، بسیاری از مصاحبه شونده‌گان به زیرمقوله‌هایی از قبیل شرکت در نماز جماعت، رفتن به اردوهای تفریحی و مذهبی، گروه‌های سرود و مسابقات فرهنگی و هنری اشاره می‌کردند. به طور نمونه، یکی از دانش‌آموزان در مصاحبه خود چنین گفت: "من از دوره راهنمایی خیلی دوست داشتم با بچه‌ها برم اردو. توی اردو هم، یه وقتی که مربی باحال داشتیم، هم بازی‌های دسته‌جمعی می‌کردیم و هم نماز جماعت می‌خوندیم. البته بعضی وقتا مربی‌های بد اخلاقی داشتیم که خیلی خشک بودند. همش تذکر می‌دادند که موها تو پیشون، نخند. اول

برین نماز. من و دوستانم خیلی اینجوری راحت نبودیم." از مجموع مصاحبه‌های به عمل آمده، زیرمقوله‌های مورد اشاره مربوط به فعالیت‌های پرورشی در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی بر اساس زیر مقوله‌های فعالیت پرورشی

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						زیر مقوله‌های مربوط به فعالیت‌های پرورشی
کم		متوسط		زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۵۱	۳۳	٪۴۲	۲۷	٪۸	۵	مسابقات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری
٪۴۲	۲۷	٪۲۶	۱۷	٪۳۲	۲۱	تشکل‌های دانش‌آموزی
٪۳۲	۲۱	٪۴۳	۲۸	٪۲۵	۱۶	تشویق‌ها
٪۷۰	۴۵	٪۲۰	۱۳	٪۱۱	۷	مراسم صبحگاهی
٪۵۵	۳۶	٪۲۹	۱۹	٪۱۶	۱۰	فرائض دینی (برگزاری نماز و امر به معروف و ...)
٪۴۶	۳۰	٪۳۵	۲۳	٪۱۹	۱۲	اردوها، بازدیدها، سخنرانی‌ها و

بر اساس جدول ۱، زیرمقوله تشکل‌های گروهی، از جمله فعالیت‌های پرورشی است که بیشترین تأثیر را در تشکیل هویت دینی دانش‌آموزان داشته است (۳۲ درصد) و مراسم صبحگاهی کمترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان داشته است. (۱۱ درصد)

ب- معلم و ویژگی‌های او (با تأکید بر درس دینی و قرآن): بیشتر دانش‌آموزان در پاسخ به این پرسش که معلمان در تشکیل هویت دینی شما چه نقشی داشتند، به زیرمقوله‌هایی چون: احترام متقابل، عادل بودن، شیک پوش بودن، صمیمی شدن با دانش‌آموزان، تخصص داشتن و غیره اشاره می‌کردند. برای مثال، دانش‌آموزی در پاسخ به پرسش بالا، چنین بیان کرد: "معلم‌های دینی تأثیری رو من نداشتند. خیلی از معلم‌های ما اصلاً اجازه پرسیدن تو کلاس به ما نمی‌دادند. حرفه‌ایی هم که می‌زدند، طوری بود که آدم بیشتر زده می‌شد تا اینکه جذب بشه. تازه خیلی‌هاشون اصلاً درسی که میدن رو خودشون بهش تسلط ندارند و معلومه که درسشو نخونده. معلم یه درس دیگه بوده." به طور خلاصه یافته‌های حاصل از این بخش در جدول ۲ آورده شده است:

جدول ۲: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با زیرمقوله‌های معلم و ویژگی‌های او

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						معلم و ویژگی‌های او (با تأکید بر درس دینی و...)
کم		متوسط		زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۳۷	۲۴	٪۳۱	۲۰	٪۳۲	۲۱	رفتار دین‌مدارانه (عدالت، حق جویی، انسان‌دوستی، احترام‌گذاری و...)
٪۵۷	۳۷	٪۳۶	۲۳	٪۳۸	۲۵	نحوه بیان و شیوه تدریس کارآمد
٪۲۸	۱۸	٪۴۳	۲۸	٪۲۵	۱۹	برقراری ارتباط مناسب با دانش‌آموزان
٪۴۸	۳۱	٪۲۸	۱۸	٪۲۵	۱۶	پوشش ظاهری و آراستگی
٪۱۸	۱۲	٪۴۰	۲۶	٪۴۱	۲۷	میزان تسلط علمی، به روز بودن و قدرت پاسخگویی به پرسش‌ها

بر اساس جدول ۲، مؤثرترین ویژگی معلم که بر شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان نقش دارد، تسلط بالا، به روز بودن و قدرت پاسخگویی به پرسش‌های دینی دانش‌آموزان است (۴۱ درصد) که علت آن را می‌توان به کنجکاوی و دنبال حق بودن دانش‌آموزان در سنین نوجوانی دانست. بسیاری از دانش‌آموزان به این نکته توجه داشتند که در برخی از پایه‌های تحصیلی معلم دین و زندگی، کارشناس رشته دیگری بوده که برای پر شدن ساعت موظف خود، مجبور به قبول تدریس دین و زندگی بوده است - این مسئله در مناطق پایین‌شهر بیشتر به چشم می‌خورد. در این‌گونه موارد، نه تنها معلم به درس تسلط لازم را نداشته، بلکه از پرسش‌های دانش‌آموزان ناراحت می‌شده و تمایلی به برقراری جو پرسش و پاسخ در کلاس نشان نمی‌داده است. همچنین، کم‌اثرترین ویژگی معلم که تأثیر کمتری نسبت به سایر ویژگی‌های معلم بر روی هویت دینی دانش‌آموزان دارد، پوشش ظاهری و آراستگی معلم است (۲۵ درصد) که شاید بتوان علت آن را به این عامل نسبت داد که امروزه جوانان بر این باورند که پوشش ظاهری افراد، نشانه ایمان به خدا و اعتقادات عمیق دینی نیست. در برخی موارد دانش‌آموزان، دین را یک امر شخصی می‌پنداشتند و معتقد بودند که میزان دینداری هر کس مربوط به خود اوست و ارتباطی با دیگران ندارد.

ج- برنامه درسی: به زعم بسیاری از برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، تألیف کتب و منابع مورد نیاز در این زمینه است. مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که کتاب دینی چقدر در شکل‌گیری هویت دینی‌شان نقش داشته است، به زیرمقوله‌هایی چون: نگارش پیچیده، به روز نبودن، جذاب نبودن، مطالب خسته‌کننده، عدم توجه به نیازهای دانش‌آموزان و غیره

اشاره می‌کردند. به طور مثال، دانش‌آموزی در پاسخ به پرسش بالا، بیان کرد: "هر وقت کتاب دینی رو می‌خونم برای امتحان، فکر می‌کنم که به شعورم توهین شده. برای اینکه اصلاً نمی‌فهمم چه می‌خواد بگه. همه مطالب یکنواخت و خسته کننده رو توش گنجوندن و نمی‌دونم چرا یه کم رنگ و وارنگش نکردن که آدم خسته نشه از خوندنش. به جای اینکه بچه‌ها رو به خدا جذب کنه اونها رو دور می‌کنه. خدا و کیلی اگه برای کنکور ضریب ۳ نداشت، عمراً اگه بچه‌ها بخوننش." یافته‌های حاصل از مصاحبه درباره مؤلفه برنامه درسی در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با زیرمقوله‌های برنامه درسی

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						برنامه درسی با تأکید بر کتاب دینی و قرآن
کم		متوسط		زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۷۲	۴۷	٪۱۷	۱۱	٪۱۱	۷	نگارش مناسب
٪۷۸	۵۱	٪۱۴	۹	٪۱۲	۵	جذابیت تصویری و نوشتاری
٪۸۰	۵۲	٪۱۵	۱۰	٪۵	۳	همخوانی نیازهای دانش‌آموز با محتوای کتاب
٪۶۸	۴۴	٪۲۶	۱۷	٪۶	۴	امکان پاسخگویی به پرسش‌های دانش‌آموزان
٪۷۷	۵۰	٪۱۴	۹	٪۹	۶	مطلوبیت زنگ دینی و قرآن

بر اساس یافته‌های جدول ۳، ۸۰ درصد دانش‌آموزان معتقد بودند که نیازهای مربوط به هویت دینی آنان با محتوای کتاب همخوانی کمی دارد که علت آن را می‌توان به عامل «امتحان دادن» مربوط دانست که عموماً دانش‌آموزان نگاه مثبتی نسبت به آن ندارند. همچنین، مؤلفه امکان پاسخگویی به پرسش‌های دانش‌آموزان بیشتر از دیگر مؤلفه‌های برنامه درسی، توانسته است (۶ درصد + ۲۶ درصد) در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان نقش داشته باشد که بیانگر آن است که برنامه درسی در نظر گرفته شده تا حدودی می‌تواند به پرسش‌های دانش‌آموزان در حیطه دین پاسخ دهد.

با توجه به جدول‌های مربوط به مدرسه و عناصر مرتبط با آن، ملاحظه می‌شود که عامل نحوه بیان و شیوه تدریس کارآمد باعث شکل‌گیری ۳۸ درصدی هویت دینی دانش‌آموزان شده است که از نظر روان‌شناسی یادگیری هم کارآمدی تدریس و بیان مناسب مطالب توسط معلم از جمله عوامل مؤثر در یادگیری می‌باشد، چرا که برانگیزاندن دانش‌آموزان و اداره حواس آنان جهت ارائه مطالب علمی، از پیش‌فرض‌های اساسی

کارآمدی تدریس یک ماده درسی است. همچنین، ضعیف‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، عامل همخوانی نیازهای دانش‌آموز با اهداف کتاب بوده است که به نظر می‌رسد کتاب‌هایی که در این حوزه در مدارس تدریس می‌شود، با توجه به خواسته‌ها، نیازها و علائق و دغدغه‌های ذهنی دانش‌آموزان نیست - به ویژه که در مقطع دبیرستان، درس دین و زندگی به عنوان یک درس با ضریب ۳ در کنکور سراسری، نقش مؤثری در قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموزان دارد و معلمی کارآمدتر به نظر می‌رسد که به شیوه کنکوری تدریس نماید.

۲- خانواده و مقوله‌های مرتبط با آن

با توجه به اینکه خانواده اولین کانون تربیتی کودک به شمار می‌آید، از نقش تعیین‌کننده‌ای در روند شکل‌گیری هویت دینی فرزندان برخوردار است. براساس این پرسش که خانواده چه تأثیری در شکل‌گیری هویت دینی دارد، مصاحبه شوندگان به مؤلفه‌های متعددی اشاره کردند. به طور مثال، در بیانات یک دانش‌آموز آمده است: "پدرم خیلی با من صمیمیه، خیلی هم معتقده، اما هیچوقت درباره مسائل دینی به من سخت نمی‌گیره. البته تشویق می‌کنه که مثلاً نماز بخونم. روزه بگیرم اما بهم گیر نمی‌ده. مادرم هم به زن مهربون و مذهبییه. دوتاشون خیلی به هم احترام می‌ذارن. فکر کنم به خاطر اینکه که خیلی همو دوست دارن." تحلیل مصاحبه‌های مربوط به پرسش درباره نقش خانواده در شکل‌گیری هویت دینی فرزندان، در قالب مقوله‌ها و زیرمقوله‌های جدول ۴ معرفی شده‌اند:

جدول ۴: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با خانواده و زیرمقوله‌های مرتبط با آن

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						خانواده و زیرمقوله‌های وابسته به آن	
کم		متوسط		زیاد			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
٪۱۸	۱۲	٪۲۳	۱۵	٪۲۰	۱۳	بالاتر از کارشناسی	میزان تحصیلات والدین
٪۳۲	۲۱	٪۲۹	۱۹	٪۳۸	۲۵	دیپلم تا کارشناسی	
٪۳۸	۲۵	٪۳۴	۲۲	٪۲۸	۱۸	زیر دیپلم	
٪۲۹	۱۹	٪۳۸	۲۵	٪۳۲	۲۱	نوع شغل والدین	
٪۳۷	۲۴	٪۲۸	۱۸	٪۱۲	۸	پردرآمد	طبقه اجتماعی
٪۴۱	۲۷	٪۲۹	۱۹	٪۲۶	۱۷	متوسط	
٪۳۸	۲۵	٪۲۶	۱۷	٪۱۱	۷	کم‌درآمد	
٪۴۳	۲۸	٪۲۸	۱۸	٪۲۶	۱۷	بالا شهر	

٪۲۸	۱۸	٪۴۳	۲۸	٪۴۹	۳۲	مرکز شهر	محیط اجتماعی (محل سکونت)
٪۲۵	۱۶	٪۳۸	۲۵	٪۴۰	۲۶	پایین شهر	
٪۳	۲	٪۳۴	۲۲	٪۶۳	۴۱	بالا	میزان دینداری
٪۸	۵	٪۵۵	۳۶	٪۳۷	۲۴	متوسط	
٪۹۱	۵۹	٪۹	۶	٪۵	۳	پایین	
٪۲	۱	٪۳۱	۲۰	٪۶۰	۳۹	بالا	مادر
٪۵	۳	٪۵۷	۳۷	٪۳۸	۲۵	متوسط	
٪۷۸	۵۱	٪۶	۴	٪۳	۲	پایین	
٪۲۰	۱۳	٪۵۴	۳۵	٪۳۲	۲۱	پرستار یا مراقب	افراد مرتبط با خانواده
٪۱۷	۱۱	٪۳۸	۲۵	٪۴۵	۲۹	دوستان خانوادگی	
٪۲۱	۱۴	٪۳۱	۲۰	٪۲۶	۱۷	بستگان نزدیک	

با توجه به داده‌های جدول ۴، میزان تحصیلات والدینی که تحصیلات آنها دیپلم تا کارشناسی بود، بیشترین سهم را در تعیین هویت دینی فرزندان داشته‌اند. فرزندان این والدین، بیشتر از کلاس‌های خارج از مدرسه مانند آموزش قرآن بهره می‌بردند که علت تأثیر بیشتر بر هویت دینی فرزندان می‌باشد. همچنین، طبقات اجتماعی متفاوت در میزان هویت بخشی به فرزندان خود فرق چندانی با یکدیگر ندارند.

در مورد محیط اجتماعی (محل سکونت)، خانواده‌هایی که در مرکز شهر اقامت داشتند، از تأثیر بیشتری بر هویت دینی فرزندان برخوردار بودند. (۲۶ درصد) این خانواده‌ها همان‌هایی هستند که عموماً سطح تحصیلات دیپلم تا کارشناسی و سطح اقتصادی متوسط داشتند.

همچنین، عامل دینداری والدین، عامل تعیین‌کننده‌ای در میزان شکل‌گیری هویت دینی فرزندان، بوده است. (۶۳ درصد) در مواردی که والدین از میزان اعتقاد و باور مطلوبی درباره دین و فرائض مذهبی، برخوردار بودند، میزان دینداری فرزندان نیز بیشتر بوده است.

با توجه به داده‌های جدول، از میان افرادی که با خانواده رفت و آمد دارند، کسانی که در اوان کودکی خود ملازم پرستار یا مراقب- در بیشتر موارد مادر بزرگ‌ها- بوده‌اند، از میزان دینداری و پایبندی بیشتری به اصول دینی برخوردار بودند و آنان در شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان، نقش مهمی ایفا نموده‌اند. (۴۸ درصد)

۳- عوامل اجتماعی و زیرمقوله‌های مرتبط با آن

امروزه عوامل اجتماعی زیادی بر جامعه‌پذیری هویت دینی نوجوانان و جوانان نقش دارند. با توجه به عاملیت نظام جمهوری اسلامی مبنی بر حفظ، صیانت و تداوم هویت دینی آحاد جامعه، نهادهای بسیاری دست‌اندرکار جامعه‌پذیر کردن نوجوانان و جوانان جامعه هستند که در تحلیل مصاحبه‌ها به برخی عوامل اجتماعی مهم تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان مانند تلویزیون، ماهواره، برنامه‌های مساجد و تکایا، روحانیت و افراد مهم تأثیرگذار و غیره اشاره شده است. به طور مثال، دانش‌آموزی بیان کرد: "من از اول راهنمایی، عضو کانون خواهران محل هستم. هر هفته یه روز جلسه توی مسجد برگزار میشه. یه خانم که جوونه و توی حوزه درس خونده بدون اینکه از ما پولی بگیره میاد بهمون درس می‌ده. احکام، وظایف و حقوق هر فرد در جامعه و از این جور چیزها. خیلی سواد داره. خیلی اهل عمله. فقط مثل بعضی‌ها حرف نمی‌زنه. مشکلی هم داشته باشیم سعی می‌کنه کم‌کم کنه." زیرمقوله‌های مربوط به عوامل اجتماعی در جدول ۵ آورده شده است:

جدول ۵: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با زیرمقوله‌های عوامل اجتماعی

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						عوامل اجتماعی و زیرمقوله‌های مرتبط با آن
کم		متوسط		زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۷٪	۱۱	۱۱٪	۷	۵٪	۳	اینترنت
۲۵٪	۱۶	۴۰٪	۲۶	۱۸٪	۱۲	تلویزیون
۲۶٪	۱۷	۱۲٪	۸	۸٪	۵	ماهواره
۸٪	۵	۹٪	۶	۶٪	۴	تلفن همراه
۲۶٪	۱۷	۲۹٪	۱۹	۲۳٪	۱۵	روحانیت و برنامه‌های فرهنگی مساجد
۳٪	۲	۲٪	۱	۰٪	۰	مسئولان رده بالای کشوری
۱۷٪	۱۱	۳۷٪	۲۴	۴۰٪	۲۶	هیئت‌های مذهبی و مراسم ملی - مذهبی

بر اساس داده‌های جدول ۵، مهم‌ترین عامل اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، عضویت در هیئت‌های مذهبی در قالب گروه‌های همسالان بوده است. (۴۰ درصد) در این گروه‌ها که به طور معمول، فرد یا گروهی به صورت خودجوش آن را هدایت می‌کنند، مسائل دینی با حوصله و صمیمیت

به اعضا آموزش داده می‌شود و افراد بزرگ‌تر هدایت گروه‌های کودکان را برعهده می‌گیرند. به افراد مسئولیت داده می‌شود که در بخشی که به آنها واگذار شده، به شیوه دلخواه وارد عمل شوند و به بهترین شکل ممکن، انتقال مفاهیم را به گروه‌های سنی پایین‌تر برعهده گیرند. تشویق به شکل کلامی و غیرکلامی در این گروه‌ها زیاد است و معمولاً کمترین کار مورد تشویق قرار می‌گیرد. اگرچه افرادی که این گروه‌ها را هدایت و اداره می‌کنند، داوطلبانه این کار را انجام می‌دهند، اما تا حدود زیادی با مسائل دینی آشنا هستند و قدرت پاسخگویی به پرسش‌های دینی نوجوانان را دارند. در بیشتر موارد گفته شده است که این افراد به گفته‌های خود، عامل اند، افرادی متظاهر و دورو نیستند، نقش بازی نمی‌کنند، بچه‌ها را دوست دارند و برای آنها وقت می‌گذارند. نکته قابل توجه در این مورد آن است که در بخش‌های مرکزی و پایین شهر این هیئت‌ها، فعال‌ترند و افراد بیشتری به عضویت این گروه‌ها درآمده‌اند - یکی از دلایل عمده آن، آشنایی افراد محله با یکدیگر و ارتباط بیشتر آنها با هم، نسبت به بالای شهر می‌باشد.

همچنین، از میان عوامل اجتماعی، عامل «مسئولان رده بالای کشوری» سهم زیادی در شکل‌گیری هویت دینی جوانان ندارد (۰ درصد) که علت آن از دیدگاه دانش‌آموزان، عدم همخوانی گفتار و رفتار این افراد، بوده است. تعدادی از مسئولان، در زمینه عدالت‌محوری، قناعت، علم‌دوستی، محترمانه رفتارکردن، راستگویی، خوش‌خلق بودن، امانتداری و غیره عملکرد خوبی ندارند و برخلاف آیین اسلامی و با وجود ظاهرالصلاح بودن، چنان رفتار می‌کنند که تأثیر نامطلوبی بر جوانان به جای می‌گذارد. بسیاری از دانش‌آموزان در گفته‌هایشان تأکید می‌کردند که خیلی از دوستان و همسالان شان که خانواده‌های آنها به شعائر دینی پایبند نیستند، مدام از مسئولان انتقاد می‌کنند و برای بچه‌های شان استدلال می‌آورند که در خیلی از کشورهای دنیا که دینداری باب نیست، همه‌چیز سرجایش قرار دارد، در حالی که افراد بالادست ما از دین دم می‌زنند، ولی رفتارهای شان حکایت گر باورهای شان نیست.

به طور خلاصه، براساس داده‌های جدول‌ها می‌توان گفت مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، میزان دینداری والدین شان و شرکت در هیئت‌های مذهبی بوده است. همچنین، عامل همخوانی (نبود) بین نیازهای دانش‌آموزان با محتوای کتاب و عملکرد مسئولان رده بالای کشوری، کمترین نقش را در هویت بخشی به دانش‌آموزان داشته‌اند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی جوانان از دیدگاه خود آنها بوده است. نتایج پژوهش نشان داد عوامل متعددی در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان نقش دارند، اما تأثیر عامل «دینداری والدین» و سپس «عضویت در هیئت‌های مذهبی» به طور خاص از بقیه عوامل بیشتر بوده است. این یافته تا حدودی با یافته‌های سروش (۱۳۸۰) ایمان و سروش (۱۳۸۱) و با جابه‌جایی تأثیر دوستان و سپس خانواده در پژوهش ارژنگ و میرفردی (۱۳۹۳) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت در میان عوامل مختلف جامعه‌پذیری، نقش خانواده از برجستگی خاصی برخوردار است، علت این امر را می‌توان در این واقعیت جست که نخست، شکل‌گیری شخصیت افراد تا حدود زیادی در خانواده صورت می‌گیرد و فرزندان بیشتر ویژگی‌های رفتاری والدین خود را کسب می‌کنند؛ دوم، این نقش خانواده، بیشتر هنگامی مشاهده می‌شود که فرد در سال‌های اولیه زندگی خود قرار دارد و شخصیت وی همچون لوح سفیدی برای اولین بار در حال شکل‌گیری است. (موگهی، ۱۳۸۰) با وجودی که در بیشتر پژوهش‌ها، از جمله ارژنگ و میرفردی (۱۳۹۳) تأثیر گروه دوستان بر هویت دینی افراد از خانواده بیشتر است، اما در این پژوهش، تأثیر خانواده بر هویت دینی افراد بیشتر بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدینی که ارتباط صمیمانه‌تری با فرزندان خود دارند و در مسائل دینی بدون تعصب‌ورزی و سخت‌گیری‌های افراطی، با آنان به گونه‌ای رفتار می‌کنند که فرزند حس آزاد بودن در انتخاب و پذیرش امور دینی دارد، به شیوه موفق‌تری توانسته‌اند تا باورها و اعتقاداتشان را به فرزندان انتقال دهند. از سوی دیگر، در برخی مصاحبه‌ها دانش‌آموزان بیان می‌کردند که پدر یا مادری که در عمل به باورهای دینی خود پایبندی بیشتری داشته و در خانه خوش‌اخلاق و خوش‌برخورد هستند، مورد اقبال بیشتر فرزندان قرار می‌گیرند که این مسئله بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا (۱۹۵۶) نقش الگوی مناسب در یادگیری را به ذهن متبادر می‌کند؛ چنان که الگوی مناسب می‌تواند توجه و انگیزش یادگیرنده را افزایش دهد. جوانان از والدینی که با فرزندان شان بیگانه هستند، ظاهری دیندار ولی غیرمتعهد دارند و سخت‌گیری بی‌جهت و افراطی نسبت به فرزندان در عمل به وظایف دینی دارند، بیشتر دوری می‌کنند. در این زمان است که با توجه به بافت و محیط اجتماعی، نوجوان به دنبال تأیید محیط بیرونی و ورود به گروه‌های همسال برمی‌آید.

در تبیین تأثیر گروه‌های همسال می‌توان گفت اگرچه کانون خانواده، اولین مکان تربیتی برای جامعه‌پذیری هویت دینی فرزندان به شمار می‌رود، اما افراد در درون گروه‌ها، حجم عظیمی از اطلاعات و نگرش‌ها را

از همسالان و دوستان خود به صورت غیررسمی فرامی‌گیرند. گروه‌های همسالان و دوستان، حس ارزشمند بودن را در فرد ایجاد می‌کنند. دوستان به تبادل عقاید و اطلاعات می‌پردازند و به شکل‌دهی دیدگاه‌های یکدیگر درباره جهان خارج و پدیده‌های آن کمک می‌کنند. از آنجا که افراد مایل اند دیگران آنها را دوست داشته باشند و به آنها احترام بگذارند، اغلب ارزش‌ها و رفتارهای خود را به گونه‌ای تعدیل می‌کنند که با انتظارات کسانی که با آنان تعامل دارند، همخوانی داشته باشد. این امر به طور خاص در دوران نوجوانی و جوانی حائز اهمیت است که تماس با افراد همسن، نوعی احساس امنیت را در جوانان ایجاد می‌کند و حتی ممکن است رفتار وی را بیش از هر عامل دیگری شکل دهد. (خسروی و همکاران، ۱۳۸۶) با توجه به نیازهای ذکر شده در این دوره، تشکلهای دانش‌آموزی و گروه‌های اجتماعی در قالب هیئت‌های مذهبی، مکان مناسبی برای ارضای نیازهای نوجوان و کسب تأیید از گروه‌های همسال از نوع بی‌خطر می‌تواند باشد. نکته حائز اهمیت در این باره این است که هدایت‌کننده‌های این گروه‌ها شروطی را برای ورود افراد جدید قائل نیستند، اما با کمال تعجب، بعد از مدتی رفتارهای همسان با گروه در نوجوان شکل می‌گیرد. همین امر نشان‌دهنده تأثیرپذیری بالای نوجوانان از همسالان خود می‌باشد. همچنین، در مورد تأثیر بیشتر تشکلهای دانش‌آموزی می‌توان گفت که دوره نوجوانی و جوانی، دوره کسب تأیید و پذیرش از طرف گروه‌های دوستی است. به همین دلیل، گروه‌های همسالان تأثیر زیادی بر اعتقادات و باورهای افراد دارند. فعالیت‌های گروهی که در آن نمره ملاک سنجش افراد قرار نمی‌گیرد، معمولاً از اقبال خوب دانش‌آموزان برخوردار می‌شود. گروه‌های سرود، تئاتر، انجمن‌های علمی خودگردان دانش‌آموزی، شورای دانش‌آموزی و غیره از جمله گروه‌هایی است که دانش‌آموزان به شیوه گروهی در آن به فعالیت می‌پردازند. همچنین، تأثیر پایین مراسم صبحگاهی، از دیدگاه دانش‌آموزان، مربوط به کیفیت اندک برنامه‌ها و تکراری بودن آنهاست. از سوی دیگر، نبود فضاهای مناسب برای برگزاری مراسم صبحگاهی، به ویژه در صبح‌های سرد پاییز و زمستان، دلیل دیگری بر تأثیر پایین این قبیل برنامه‌ها بر هویت دینی دانش‌آموزان است.

همچنین، در یافته‌های این پژوهش بر خلاف پژوهش روباکا (۲۰۱۲)، کولدایپ (۲۰۰۹)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۲)، ریاحی و همکاران (۱۳۹۳)، و قصابی و همکاران (۱۳۹۲) تلویزیون، ماهواره، اینترنت و تلفن همراه، نه تنها تأثیر منفی بر هویت دینی افراد ندارد، بلکه به میزان متوسطی باعث شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان نیز شده است؛ به این شکل که بیشتر دانش‌آموزان بیان می‌کردند که در خانه‌های ما با وجود این ابزارهای رسانه‌ای، افراد خانواده بیشتر برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند که از بافت و زمینه مذهبی خوبی

برخوردار است. (مانند شبکه جهانی اهل بیت و برنامه‌های مذهبی شبکه ۳) از سوی دیگر، آنها اظهار کرده بودند که در این خانواده‌ها فیلم‌های نامتعارف از طرف والدین مورد توجه قرار نمی‌گیرد و با مباحثه‌ای عمیق و دوستانه با فرزندان و استدلالی منطقی، از مشاهده این قبیل برنامه‌ها از طرف فرزندان ممانعت به عمل آمده است. به عبارت دیگر، کنترلی مناسب از سوی والدین آنها صورت می‌گیرد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت این والدین از طریق «استبداد توجیهی» (منادی، ۱۳۹۱) در جوی به ظاهر دموکراتیک، به فرزندان خود اجازه اظهار نظر و پیشنهاد می‌دهند و سپس با استدلالی منطقی بدون متوسل شدن به زور، افکار خود را به فرزندان قالب می‌کنند- به طوری که فرزندان قانع شده و استدلال والدین را می‌پذیرند. چنین جو به ظاهر دموکراتیک و آزادمنشانه، مقاومت فرزندان را در هم می‌شکند و در یک گفتگوی دوطرفه حرف‌ها و نظرات شنیده می‌شود که در بیشتر موارد، علت بروز مشکلات بین نوجوانان به ویژه دختران با والدین شان، همین نبود فضای گفتگو در میان اعضای خانواده است. این یافته با یافته‌ی کدی (۲۰۱۴) که در مطالعه‌ای نشان داد که تنوع هویتی و همچنین ساخت دموکراتیک در ارتباط دانش‌آموزان با موضوع‌های دینی و در نتیجه تقویت هویت دینی تأثیرگذار است، همسو می‌باشد.

هم‌چنین در برخی موارد، مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که آنها به کمک تلفن همراه، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی را به یکدیگر اطلاع‌رسانی می‌کنند و در همین قالب، سخنان اهل بیت (ع) را که بیشتر از طریق افراد مسئول هیئت‌ها گزینش می‌شود، به شیوه خودجوش منتشر می‌کنند.

با وجود این که نهاد آموزش و پرورش در طی سال‌های متمادی تلاش زیادی را در راستای جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان اعمال نموده است، اما نتایج مصاحبه‌ها در جدول مربوط به مدرسه و عناصر مربوط به آن نشان می‌دهد که طراحی کتب و برنامه‌های درسی و گزینش افراد برای تدریس مواد درسی خاص، از نگاه دانش‌آموزان، همراه با موفقیت نبوده و گاهی باعث بی‌زاری دانش‌آموزان از مفاهیم دینی هم شده است. هم‌چنین، از دیدگاه دانش‌آموزان، روش تدریس درس‌های دینی و قرآن، خلاقانه نبوده و دانش‌آموز ارتباط مناسبی را با مفاهیم برقرار نمی‌کند. از طرف دیگر، حجم زیاد مطالب و لزوم امتحان دادن آموخته‌ها به عنوان سر فصل‌های درسی، این قبیل مطالب را از حوزه قداست خارج کرده و به آن به عنوان یک واحد درسی که باید گذرانده شود، نگریسته می‌شود.

نتیجه قابل تأمل دیگر، تأثیر منفی عملکرد تعدادی از مسئولان رده بالای کشور بر شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان است. با توجه به گفته‌های دانش‌آموزان، نه تنها مسئولان تأثیر مثبتی در شکل‌گیری هویت دینی ندارند، بلکه در برخی موارد به علت عدم همخوانی گفته‌ها و رفتارهای شان، باعث بروز برداشت‌ها و نگرش‌های بد و نادرست درباره دین می‌شوند. انواع ناهنجاری‌های بالادستی‌ها از قبیل دزدی از بیت‌المال، رشوه، کلاهبرداری، تخریب دیگران برای رسیدن به یک مقام و مسئولیت و بسیاری موارد دیگر نه تنها از چشم نوجوانان دور نمی‌ماند، بلکه به شکل زیرکانه‌ای توسط آنها پیگیری می‌شود. یکی از نکات اساسی در مورد معلمان دروس دینی و قرآن، سرگروه‌های هیئت‌ها و مسئولان کشوری این است که تمامی این افراد، هنگامی از سوی نوجوانان پذیرفته می‌شوند که بین حرف‌ها و ادعاهای اعتقادی با عملکرد رفتاری آنها همخوانی وجود داشته باشد. هر عقل سلیمی این استدلال را می‌پذیرد که اگر دین چیزی را برای افراد خوب یا بد معرفی می‌کند، برای همگان یک مفهوم دارد- نه اینکه الگوهایی که در قالب معلم، مسئول و یا هر فرد دیگری، به مانند آن روحانی باشند که بر روی منبر بگویند: فرش نجس را ببرید و دور بیاندازید و وقتی همسرش همین عمل را انجام داد، به اعتراض بگویند برای دیگران گفتم نه خودم. امروزه به علت گسترش شبکه‌های اجتماعی، آحاد جامعه از طریق لاین، وایبر، فیس‌بوک و غیره با هم در ارتباط هستند و اخبار با سرعتی باورنکردنی منتشر می‌شود. هر کسی در هر گوشه‌ای از کشور کاری بکند، در کمتر از یک ساعت منتشر می‌شود و این مسئله ضرورت سلامت دینی افراد برجسته کشور را صدچندان می‌کند.

محدودیت‌ها

۱. از آنجا که این پژوهش در بخش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کیفی انجام شد، نمونه پژوهش به اندازه کافی گسترده نبوده است تا بتوان نتایج پژوهش را به کل جامعه آماری، تعمیم داد. لذا در تعمیم نتایج به کل جامعه باید جانب احتیاط رعایت شود.
۲. در پژوهش حاضر، سعی شده است که با مصاحبه از دانش‌آموز به عواملی که در شکل‌گیری هویت دینی‌شان نقش داشتند، دست یابیم. با توجه به اینکه در برنامه دینداری، عناصر تأثیرگذار متعددی از جمله: معلمان، مدیران، برنامه درسی و غیره دخیل اند، بهتر است در پژوهش‌های آتی، علاوه بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دینی دانش‌آموزان، همه عناصر تأثیرگذار در امر شکل‌گیری هویت دینی جوانان به شیوه‌ای عمیق مورد مطالعه قرار گیرند تا قدرت تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد.

پیشنهادها

۱. با توجه به اینکه خانواده، به عنوان پایه‌ای‌ترین نهاد اجتماعی جامعه‌پذیرکننده نسل جوان به شمار می‌رود، توانمند کردن خانواده‌ها از راه آموزش مناسب به آنها می‌تواند در تقویت مبانی دینی و اعتقادی نسل‌های آینده تأثیری شگرف به وجود آورد. یکی از مواردی که می‌تواند گام مؤثری در این زمینه باشد، طرح آموزش خانواده در هر مدرسه است که اگر کارشناسان توانمند و خلاق چگونگی انتقال درست مفاهیم دینی را به خانواده‌ها آموزش دهند، گامی مؤثر در این زمینه برداشته خواهد شد.
۲. با توجه به یافته‌های این پژوهش که تشکلهای دانش‌آموزی و گروه‌هایی با نام هیئت‌های مذهبی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان دارند، پیشنهاد می‌شود که نهادهایی به طور غیرمستقیم، هم امکانات لازم را در اختیار این گروه‌ها قرار دهند و هم بر فعالیت‌های آنها نظارت غیرمستقیم داشته باشند- خانواده‌ها نیز باید نظارت بیشتری بر شبکه روابط دوستانه فرزندان اعمال نمایند.
۳. با توجه به نقش نهاد آموزش و پرورش و تأثیر آن در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، توصیه می‌شود که این نهاد هم در مرحله برنامه‌ریزی محتوایی و هم در مرحله آموزشی و اجرا، از افراد خبره جهت طراحی آموزش‌های مناسب جهت جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان بهره‌گیرد.
۴. با برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و ارائه برنامه‌های متنوع علمی و تفریحی در قالب کرسی‌های آزاداندیشی می‌توان نشست‌های صمیمانه‌ای بین دانش‌آموزان و خبرگان امور دینی ترتیب داد تا دانش‌آموزان در یک فضای سالم، پاسخ پرسش‌های خود را بیابند.
۵. تربیت نیروی انسانی جهت تدریس دروس دینی در دانشگاه فرهنگیان باید به گونه‌ای علمی و فعال و همراه با آموزش‌های به روز طراحی و اجرا گردد تا معلم امروزی با آگاهی و دانش عمیق اسلامی، قدرت مباحثه با دانش‌آموزان را داشته باشد. تولید محتوای الکترونی دروس دینی در این حوزه، روش مؤثری در توانمندسازی معلمان تازه تربیت شده در دانشگاه خواهد بود.

منابع

- آذربایجان، مسعود (۱۳۸۷) *مقیاس سنجش دینداری با تکیه بر اسلام*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ارژنگ، اردوان، میرفردی، اصغر (۱۳۹۳) *"هویت دینی و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر آن"*. مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۱۰/ سال چهارم، شماره ۱.
- اسکندری، حسین (۱۳۹۱) *"بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان"*. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. س ۸، ش ۲۵، ص ۱۱۳-۱۳۷.
- ایمان، محمدتقی، سروش، مریم (۱۳۸۱) *"بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی جوانان شیراز"*. مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی (اصفهان). ش ۳۰ و ۳۱، ص ۳۹-۶۸.
- پیروزی، مریم (۱۳۸۵) *"آموزش و پرورش یکی از مهمترین آژانس‌های اجتماعی شدن"*. مجله اینترنتی فصل نو.
- پیری، روضان (۱۳۸۶) *"نقش تلویزیون در جامعه‌پذیر کردن جوانان (مطالعه موردی: جوانان ۲۹-۱۵ ساله استان ایلام)"*. فصلنامه پیام جامعه. بهار ۸۷، شماره ۲۰.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت
- جمالی فیروزآبادی، محمود، اخلاقی، آزیتا (۱۳۹۱) *"رابطه هویت دینی معلمان با هویت دینی دانش‌آموزان"*. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی. س ۲، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۲.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ رحیمی‌نژاد، عباس؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی‌یکتا، محسن؛ آذربایجان، مسعود؛ افروز، غلامعلی و همکاران (۱۳۸۹) *"مدل سنجش دینداری و ساخت مقیاس آن در سطح ملی"*. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی. ۱ (۱)، ص ۲۴-۱.
- خسروی، زهره؛ کیامنش، علیرضا؛ بنی‌جمالی، شکوه‌السادات و نیک‌منش، زهرا (۱۳۸۶) *"بررسی کیفی نقش عملکرد خانواده در بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان"*. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی. ش ۱۲، ص ۴۵.
- ریاحی، محمداسماعیل؛ علیزاده، توحید؛ اشتیاقی، معصومه و کاظمیان، مهرداد (۱۳۹۲) *"تلویزیون و هویت دینی"*. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۵/ شماره ۵۴، تابستان ۱۳۹۳.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۸) *هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس

- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸) مقدمه‌ای بر هویت دینی. تهران: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۴) چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن. تهران: انتشارات طرح نو.
- سروش، مریم (۱۳۸۰) "بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان شیراز". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شورای انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰) مبانی تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران.
- قاسمی، وحید؛ عدلی‌پور، صمد و کیانپور، مسعود (۱۳۹۱) "تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان". دوفصلنامه دین و ارتباطات. سال ۱۹، شماره ۲.
- قصابی، رضوان؛ چمنی، سولماز؛ عزتی، رحمان و صنعتی شرقی، نادر (۱۳۹۱) "بررسی اثرات استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای بر هویت دینی". فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. س ۲، ش ۶، ص ۶۱-۸۱.
- کرسول، جان و کلارک، ویکی پلانو (۲۰۰۷) روش‌های پژوهش ترکیبی. علیرضا کیامنش و جاوید سرایی. تهران: انتشارات آبیژ
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی
- گیدنز، انتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵) "روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری و اجتماعی". فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. ۱۲ (۴۸)، ۱۹ - ۲۷.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی خانواده، تحلیل روزمره‌گی و فضای درون خانواده. تهران: نشر دانژه
- منادی، مرتضی (۱۳۹۱) عوامل مؤثر بر بهبود روابط خانوادگی. تهران: انتشارات آوای نور
- منادی، مرتضی؛ عابدی، فاطمه و طالب‌زاده، لیلا (۱۳۹۴) روش پژوهش کیفی کاربردی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان

- موگهی، عبدالکریم (۱۳۸۰) "روش‌های تربیت دینی". ماهنامه فرهنگی یاس. ش ۸، ص ۴۲.
- ویلیامز، کارل (۱۳۸۲) دین و روان‌شناسی. افسانه نجاریان. تهران: انتشارات رسش
- Gouveia, V. , Albuquerque, F.B. (2002) "**Human values and social identities: A study in two collectivist cultures**". International Journal of Psychology. 37(6): 333-342.
- Robaka, SH. (2012) "**Effect of Satellite television on the culture of Bangladesh**". New york: European Journal of Business and Management. Vol: 4, No:9.
- Keddie, Amanda (2014) " **Students' understandings of religious identities and relations: Issues of social cohesion and citizenship**". Education, Citizenship and Social Justice. March 2014; vol. 9 (1): 81-93., first published on February 6, 2014.
- Kuldip, R. (2009) **Impact of satellite television on urban Youth in India**. Missouri: Warrensburg university

High School Students' Point of View about the Effective Sources on their Religious Identity (Case Study: Karaj City)

Fateme Abedi

Ph.D. Student in Educational Psychology, Alzahra University

Morteza Monadi

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, Alzahra University

Received: 10 Jun. 2015

Accepted: 12 Jul. 2015

The aim of this study was to identify factors influencing the formation of religious identity of Karaj's students. The population consisted of Karaj's high schools with cluster sampling from three regions uptown, downtown and inner-town, three schools were selected.

The method of research was mixed method and research tools were questionnaire and interview. At first for selecting the research sample, we used the Khodayarifard et al (2010) religiosity questionnaire that was executed on the high school fourth-grade students those were totally 230 individuals with the age average of 17 and acquired in theory field (mathematics, science and humanities). After the execution of religiosity questionnaire, 65 individuals who received the highest score in the religiosity questionnaire were selected and each person responded separately to the questions about effective religious identity formation resources which were made by the researcher (a Semi-structured questionnaire were adjusted according to contributing sociological factors to the formation of religious identity and the final form was used after using the highly qualified experts' opinions) in a 15-minute session. Descriptive content analysis was used in evaluating of the interview data.

The findings of analysis performed on the sample of interviews showed these effects on students' religious identity: (1) school (teacher's characteristics, educational activities, and curriculum) (2) families (economic issues, cultural level, religiosity, the type of the job and ...) (3) social factors (media issues, cultural programs of mosques, government officials, and religious bodies)

The results showed that orderly the most important factors in the formation of students' religious identity was parents' religiousness, participating in religious organizations and student clubs. The results also showed that a number of high-ranking state officials and ineffective teachers had have been negative results on the students' religious identity formation.

Findings suggest that family education and religious upbringing of children to education be taken seriously and religious organizations should organize students with proper planning.

Keywords: Sources of Identity, Religious Identity, Mixed Methods and High School Students